

## درباره چگونگی برگزاری مراسم روز جهانی کارگردر شهر سقز

محمود صالحی

جمعه ۱۶ خرداد ۱۳۸۸

پس از برگزاری روز جهانی کارگر شهر سقز در سال ۱۳۸۳ و حمله نیروهای دولتی به این مراسم و دستگیری تعداد زیادی از کارگران، کارگران دستگیر شده مراسم را در داخل سلولهای مخوف اداره اطلاعات سقز برگزار گردید. این دستگیری ها، کارگران سقز را آبدیده کرد و ترس و یا توهمی که نسبت به دستگاه حاکم در میان کارگران وجود داشت، کم رنگ تر کرد. اگر امسال در تهران، پایتخت ایران و با جمعیتی بالغ بر ۱۵ میلیون نفر، کارگران به صورت علنی به مردم فراخوان جهت شرکت در مراسم روز جهانی کارگر می دهند. این فراخوان و دعوت از کارگران برای برگزاری روز جهانی کارگر به درست و از مظهر قدرت جنبش کارگری ایران بود!

اما کسانی این فراخوان را ماجراجویانه نامیدند. این افراد نه اینکه نمی توانند با مبارزه طبقه کارگر همراهی کنند، بلکه هیچ ربطی به طبقه کارگر ندارند. اگر امروز دوستان و هم طبقه های ما در زندان بسر می برند برای ما نگران کننده است. ولی ما به آنان افتخار می کنیم که در زندان خبر به ما می رسد و زنان دستگیر شده اعلام می کنند " ما هیچ جرمی مرتکب نشدیم و برای آزادی وثیقه نمی گذاریم ". این مبارزه در داخل زندان پویایی جنبش کارگری ایران را به اثبات می رساند.

پنج سال پیش در شهر ۱۵۰ هزار نفری سقز این اتفاق افتاد. فعالین کارگری در آن روز بعد از آخرین مذاکره با نیروهای انتظامی، اعلام کردند که " ما کارگران سقز امروز به نشانه کفن، لباس سفید می پوشیم و همراه با خانواده های مان با لب های خندان و با دستهای پر از گل به خیابانها می آییم. شما محافظان سرمایه می توانید با تفنگ و گلوله به ما جواب دهید، ما کارگران چیزی نداریم که از دست بدهیم. ما را از گلوله و زندان نترسانید، ما آماده ایم! کارگران می توانند دنیا را از فقر، بیکاری و خفقان نجات دهند." در نشستی که ما کارگران سقز با مسئولین نیروی انتظامی داشتیم از آنها خواستیم که به صفوف ما حمله نکنند. زیرا که ما تصمیم گرفته ایم که بدون هیچ واژه ای به خیابانها آمده و مراسم خود را برگزار کنیم. ما از نیروی انتظامی خواستیم که در تفنگ هایشان گل بکارند، زیرا نبرد ما نه با آنها، بلکه با دنیای سرمایه داری است.

ما کارگران سقز در چنین وضعیتی و با آمادگی قبلی خود را برای برگزاری روز جهانی کارگر آماده کردیم. این مراسم در سقز به یک مبارزه علنی و رودرو تبدیل شده بود. بر این اساس ۱۰ روز مانده به اول ماه مه، کارگران فعالیت خود را آغاز کردند تا مراسم خود را برگزار کنند.

هر چند در سالهای قبل، فعالین کارگری همراه با سایر تشکلهای کارگری که دارای شماره ثبت از وزارت کار بودند روز جهانی کارگر را برگزار می کردند. اما از سال ۱۳۸۳ به بعد کارگران و فعالین جنبش کارگری همواره با صف مستقل خویش این روز را گرامی داشته اند.

کارگران سقز در تاریخ ۸۳/۲/۱۲ با " شعار کارگران جهان متحد شوید"، به شکلی علنی به خیابانها آمده تا مراسم را برگزار کنند. هر چند شرکت کنندگان مورد حمله نیروهای دولتی قرار گرفته و ده ها نفر از آنها بازداشت و روانه زندان شدند و عملاً " مراسمی برگزار نشد، ولی همان دستگیر شده ها در داخل زندان مراسم برگزار کردند.

سال ۱۳۸۴ فرماندار وقت به طور رسمی از کارگران و فعالین کارگری دعوت کرد تا با پلاتفرم خود در مراسمی که به مناسبت روز جهانی کارگر در " سالن کاوه " برگزار می گردد، شرکت کنند. این پیشنهاد فرماندار وقت مورد موافقت همه ی کارگران قرار گرفت. (نوار ضبط شده آن در اختیار همگان می باشد).

سال ۱۳۸۵ کارگران سقز بدون ترس از نیروهای امنیتی که تمام شهر را محاصره کرده بودند، در مقابل دفتر " انجمن صنفی کارگران خباز"، واقع در چهارراه آزادی مراسم را برگزار کردند. این مراسم چندین بار توسط نیروهای انتظامی و لباس شخصی ها مورد حمله

قرار گرفت، اما هر بار با مقاومت خلل ناپذیر برگزار کنندگان مواجه شدند. این ایستادگی کارگران و خانواده هایشان باعث شد که نیروهای انتظامی برگزاری این مراسم را بپذیرند و با چندین دوربین، به فیلمبرداری از شرکت کنندگان بپردازند. کارگران با دیدن این صحنه ها، به آنها می گفتند: " آقایان به خودتان زحمت ندهید، اگر عکس و فیلم می خواهید ما خودمان برای شما می آوریم." ایستادگی شرکت کنندگان باعث شد که مسئولین نیروی انتظامی به سخنران اجازه دهند تا صحبت هایش را ادامه داده و مراسم به خوبی برگزار شود. در این مراسم زنان و کودکان زیادی شرکت کرده بودند. زنی که دو تا کلیه خود را از دست داده بود و تازه از زیر دستگاه دیالیز آمده بود. به ماموران می گفت " بیاید ما را زنده به گور کنید ما مراسم را برگزار می کنیم " زنی که یک بچه ۸ ماهه را با خود داشت اعلام کرد " ما را بکشید ما امروز اینجا جمع کردیم تا مراسم روز کارگر را برگزار کنیم و....

سال ۱۳۸۶ و چند روز مانده به اول ماه مه، همه ی فعالین کارگری شهر سقز را تهدید و چند نفر از آنها را بازداشت کرده، تا شاید این روز برگزار نشود. اما کارگران سقز در گوشه و کنار شهر مراسم را برگزار کردند و قطعنامه و تراکت های مربوط به روز کارگر را در میان مردم توزیع کردند. به این ترتیب دستگیری ها و تهدید وسیع فعالین کارگری نتوانست روحیه تعرضی آنها را در هم بشکند و کارگران را خانه نشین کند و در جمع های مختلف، روز خود را برگزار نمودند.

سال ۱۳۸۷ هر چند کارگران تهدید شده بودند که در جشن اول مه شرکت نکنند، اما طی یک فراخوان مردم را دعوت کردند تا در " میدان هه لو" جهت برگزاری مراسم روز کارگر حضور به هم رسانند. انتشار این اطلاعیه، جمعیت زیادی را به این مکان کشاند. اما قبل از برگزاری مراسم، نیروی انتظامی و لباس شخصی ها، "میدان هه لو" را مانند نوار غزه به محاصره کامل درآورده بودند. هر چند مراسم روز جهانی کارگر برگزار نشد، اما صد ها نفر از کارگران، دانشجویان و مردم زحمتکش در این روز با حضور خود در این مکان و با پخش شیرینی و تراکت این روز را گرامی داشتند.

در پایان نیز شرکت کنندگان با مشاهده نیرو های امنیتی، با راه پیمایی به طرف میدان مرکزی شهر حرکت کردند و در این مسیر به پخش شیرینی و تراکت های مربوط به روز کارگر پرداختند و مامورین نیروی انتظامی و لباس شخصی ها از مردم فیلم برداری می کردند.

سال ۱۳۸۸ فعالین کارگری شهر تصمیم گرفتند که پیشاپیش مکان برگزاری مراسم را علنی اعلام نکنند و محل اجرای آن را خانه به خانه به گوش یکدیگر برسانند. این تصمیم کارگران برای مسئولان شهر به یک مسئله لاینحل مبدل شده بود. آنها یقین داشتند که مراسم برگزار می شود، اما از زمان و مکان آن بی خبر بودند. این تاکتیک برگزار کنندگان مراسم اول ماه مه، نیروهای امنیتی، لباس شخصی ها و همکاران دولت را سراسیمه کرده بود.

با توجه با موارد فوق امسال با چند معضل دیگر نیز روبرو بودیم و باعث شد که زمان زیادی صرف پرداختن به آنها کنیم. این معضلات به شرح زیر بود:

- ۱- فراخوان افراد و تشکل های غیر کارگری به کارگران برای راه پیمایی علیه گرانی بر اساس شعار بی محتوای " ما هستیم."
- ۲- دستگیری اعضای کمیته هماهنگی در روز ۲۸/۱/۸۸ در شهر سنندج و احضارهای مکرر آنها بعد از آزادی و تعهد گرفتن از آنان که در مراسم روز کارگر شرکت نکنند.
- ۳- مصادف شدن اول ماه مه با روز جمعه.
- ۴- تعطیلی روز جمعه و بهار خرم و سرسبز کردستان و رفتن مردم همراه با خانواده هایشان به دشت ها و کوه پایه ها، باعث خلوت شدن شهر می شد.
- ۵- تبلیغات ارگان های مخالف برگزاری مستقل اول ماه مه، به این مضمون که به کارگران می گفتند " در مراسم مستقل شرکت نکنید شما همه بازداشت و بدبخت می شوید " و ....

آنچه بر مردم بخشی از مشکلاتی بود که ما کارگران سقز با آن روبرو بودیم. اما دست اندرکاران مراسم بدون هیچ نگرانی، هراس و یا توهمی به تدارک اول ماه مه مشغول بودند. چند روز مانده به روز جهانی کارگر یکی از مسئولین نیروی انتظامی بنام (.....) من را (محمود) در بازار دید و خود را معرفی کرد. بعد از احوالپرسی گفت:

آقای صالحی امسال درخواست مجوز کرده اید؟

ج: خیر، مجوز برای چی؟

س: برای روز جهانی کارگر.

ج: ما کارگران سقز درخواست مجوز نمی کنیم، روز کارگر روز ماست و این روز را برگزار خواهیم کرد .

س: مگر شما ۳ سال زندان تعلیق ندارید؟

ج: چرا دارم، ولی من در مراسم شرکت نمی کنم. زیرا خوب می دانم که این روز نه از آن من، بلکه از آن تمامی کارگران است و آنها هم این روز را برگزار می کنند .

س: چه کسی مراسم را برگزار می کند؟

ج: کارگران سقز .

این گفتگو بعد از نیم ساعت به پایان رسید و مسئول نیروی انتظامی خداحافظی کرد و رفت.

علاوه بر این روز ۸۸/۲/۱۰ بنا به دعوت اداره کار و امور اجتماعی مراسمی در سالن ارشاد اسلامی جهت هفته کار و کارگر با شرکت مسئولین شهر و ... بنام کارگر برگزار شد. کارگران در این مراسم شرکت نکردند و " انجمن صنفی کارگران خباز سقز " آن را تحریم کرد. مراسم در سالن ارشاد با شرکت اندکی از کارگران برگزار شد و شرکت کننده به اندازه ای کم بود که همه ی آنها را جهت نهار دعوت کرده بودند. ( نهار در سالن دخانیات سقز صرف شد.) از سوی دیگر

کارگران سقز در فکر روز جهانی خود بودند و به ما مراجعه می کردند و خواستار برگزاری مراسم می شدند .

ساعت ۳۰ / ۱۰ دقیقه شب روز چهارشنبه ۸۸/۲/۹ از اداره اطلاعات با من تماس گرفتند و مرا احضار کردند. اما به دلیل اینکه مهمان داشتم و شب هم بود به اداره نرفتم و قرار گذاشتیم که ساعت ۹ صبح در محل کارم با آنان ملاقات کنم.

حدود ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه ۸۸/۲/۱۰ ، نماینده ای از طرف اداره اطلاعات بنام ( ..... ) به محل کارمان واقع در سه راه ملکی مراجعه کرد .

نماینده اطلاعات:

س: شما چرا مراسم دولتی را که به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار شد، تحریم کردید؟

ج: برای اینکه امروز روز کارگر نیست، طبق ماده ۶۳ قانون کار روز کارگر تعطیل رسمی است نه یک روز قبل از آن. اگر کارگر در این روز دست از کار بکشد بلافاصله از کار اخراج خواهد شد ، آیا شما می توانید تضمین کنید که کارگران را اخراج نکنند؟

س: خیر، من نمی توانم چنین کاری انجام دهم، اما می گویم که چنین اتفاقی نمی افتد.

ج: اما آقای عزیز مراسمی که امروز برگزار شده هیچ ربطی به کارگر ندارد، این مراسم مربوط به اداره کار، فرماندار و امام جماعت است نه کارگران. روز کارگر روزی ست که کارگران و هم طبقه ای هایشان در آن شرکت و خواسته ها و مطالبات خود را به گوش سرمایه داران و کارفرمایان برسانند .

س: خوب شما مراسم را تحریم کردید؟

ج: بله.

س: شما خودتان مراسم برگزار می کنید؟

ج: بله.

س: کجا؟

ج: بعداً" مشخص خواهد شد.

س: یعنی به ما نمی گوید؟

ج: خیر، لازم نمی بینم که به شما بگویم، چون روز کارگر یک روز جهانی است.

س: شما در آن مراسم شرکت می کنید؟

ج: خیر، من ۳ سال زندان تعلیق دارم، به این دلیل شرکت نمی کنم.

س: اما شما مراسم را رهبری می کنید؟

ج: بله درست است، من مراسم را رهبری می کنم.

س: چطور شما مراسم را رهبری می کنید، اما خودت شرکت نمی کنی؟

ج: درحکمی که برای من صادر کرده اند نوشته شده که درتجمع های صنفی و غیر صنفی شرکت نکنم، نوشته اند که با مردم تماس نگیرم و با آنها حرف نزنم.

س: امسال وضع خوب نیست، اگر شما بخواهید مراسم برگزار کنید به شما و کسانی که می خواهند این کار را بکنند، برخورد جدی خواهند شد. چرا می خواهید با شما برخورد کنند؟

ج: ما می دانیم که به ما برخورد می شود. مگر ما چه چیزی داریم که از دست بدهیم و چرا شما با ما برخورد می کنید؟

س: در کشور چند ارگان وجود دارد که امنیت کشور را محافظت می کنند، ما با شما برخورد نمی کنیم، اما شاید ارگانهای دیگر این کار را انجام دهند.

ج: خوب ما خود را برای همه چیز آماده کرده ایم.

س: اگر امسال این مراسم برگزار نشود چیزی پیش خواهد آمد؟

ج: من این سؤال را از خود شما می کنم، اگر مراسم برگزار شود چه چیزی پیش خواهد آمد؟

س: نمی دانم.

ج: پس شما چرا از برگزاری مراسم روزکارگرنگرانید. ما در طول زندگی خود برای شما نعمات تولید می کنیم و برایتان کفش، ماشین، لباس، خانه، نان، وسایل نظافت و هر چیزی که برای انسان آسایش و رفاه به وجود می آورد با داستان مان می سازیم، اما ما کارگران حتی حق نصب یک پرچم را هم نداریم.

در حین این گفتگو، جلال حسینی و حسین مرادی مشغول نصب پرچم بودند و آقای (.....) به طرف من برگشت و گفت " ببین آقای صالحی دارند پرچم میزنند." من هم جلال را صدا کردم و از او خواستم که پرچم را داخل بیاورد. آقای (.....) پرچم را نگاه کرد و گفت: این پرچم سرخ رنگ، مال حزب کمونیست ایران است، این را که نمی توانید انکار کنید آقای صالحی؟ جلال حسینی بلافاصله گفت:

"نه آقای عزیز این پرچم مربوط به هیچ حزب و سازمانی نیست، بلکه از ۱۲۰ سال پیش این پرچم نماد طبقه کارگر شده." من رو به جلال گفتم " نه عزیزم این پرچم خیلی بیشتر از ۱۲۰ سال پیش به وجود آمده " و برای آنها چنین توضیح دادم:

آقای عزیز پرچم سرخ نشانه مبارزه با سرمایه داری است. سال ۱۸۴۹ میلادی مارکس مسئول یک نشریه کارگری بنام " راین " بود. دولت دستور توقیف نشریه را صادر می کند. مارکس هم آخرین شماره نشریه خود را با رنگ قرمزی نویسد و اعلام می کند که انتشار این شماره با رنگ قرمز اعلان جنگ با نظام سرمایه داری است. از آن زمان یعنی ۱۶۰ سال پیش رنگ قرمز نماد مبارزه طبقه کارگر با نظام سرمایه داری شده است. با این سند ما اعلام می کنیم که رنگ قرمز مربوط به یک سازمان یا یک حزب نیست، حزب کمونیست همه اش ۲۶ سال است که تاسیس شده و...

س: اجازه می دهید من چند تا عکس از این پرچم ها بگیرم؟

ج: بله شما آزاد هستید که از خود ما هم عکس بگیرید. و جلال یک طرف پرچم را گرفت و من طرف دیگر آن. پرچم ها را یکی یکی باز کردیم و از آنها عکس گرفت.

بعد از دو ساعت مذاکره، آقای (.....) گفت که " من می روم، اما چند دقیقه دیگر با شما تماس می گیرم." آقای نماینده اطلاعات زمانی که می خواست برود روبه من کرد و گفت: " راستی شما چرا در همین محل مراسم برگزار نمی کنید؟"

ج: برای ما فرق نمی کند، ما می توانیم در همین محل مراسم را برگزار کنیم. این هم قطعنامه سراسری که توسط ۱۰ تشکل کارگری در ایران به تصویب رسیده و ما امسال این قطعنامه را در مراسم خودمان قرائت می کنیم.

س: اجازه می دهید که من یک برگ کپی از این قطعنامه بگیرم؟

ج: این نسخه را برای شما آوردم تا آن را با خود ببرید و آن را مطالعه کنید .

س: خیلی ممنون، آقای صالحی.

بعد از دو ساعت، سرانجام این مذاکره به پایان رسید و آقای(.....) قرار شد بعد از چند دقیقه با ما تماس بگیرد و نتیجه را به ما اطلاع دهد . همه ما منتظر نتیجه مذاکره بودیم که یکباره گوشی من زنگ خورد و از پشت تلفن گفت: " آقای صالحی شما می توانید پرچمهای خود را نصب کنید و هر کسی نزد شما آمد و مزاحم شد با ما تماس بگیرید و به ما اطلاع دهید. راستی آقای صالحی چرا در همان محل مراسم برگزار نمی کنید؟"

ج: برای ما تفاوتی ندارد، هر کجا برایمان امکان داشته باشد مراسم برگزار می کنیم، اگر شما اینجا را مناسب می دانید می توانید به نیروهای خود بگویید که بیایند و از ما محافظت کنند تا مراسم به خوبی و خوشی برگزار شود .

س: آقای صالحی شما نباید خیابان را ببندید و مزاحم مردم شوید؟

ج: آقای عزیز ما که هندوانه فروش نیستیم تا برای مردم مزاحمت ایجاد کنیم، ما می خواهیم مراسم روز جهانی کارگر برگزار کنیم .

س: خیلی خوب، ولی باید شما به من تعهد بدهید که مزاحم مردم نمی شوید؟

ج: چشم، ما آقای محمد عبدی پور را می فرستیم تا به شما تعهد دهد که ما مزاحم مردم نمی شویم.

س: پس آقای عبدی پور را بفرست.

بلافاصله آقای عبدی پور را فرستادیم و بعد از چند ساعت برگشت و متن تعهد را چنین نوشته بود:

"اینجانب محمد عبدی پور متعهد می شوم که بدون هیچ مشکلی مراسم روز کارگر را برگزار کنیم و مزاحم مردم نشویم و متعهد می شوم که خیابان را نبندیم و بعد از مراسم، مردم را در دسته های ۵ نفره از محل دور کنیم "

بعد از بازگشت محمد، کار ما دشوار تر شد. از یک طرف این توافق برای ما هیچ تضمینی نداشت و از طرف دیگر روز جهانی کارگر، جمعه بود و شهر تقریباً خلوت می شد. این دو مورد برای ما خیلی مهم بود. ما از یک طرف نگران آن بودیم که به تجمع کنندگان حمله کنند و آنها را بازداشت و عملاً " جلو مراسم را بگیرند . به این دلیل از مردم دعوت نکردیم و کسانی که خود مطلع شده بودند که مراسم واقع در سه راه ملکی برگزار می شود، شرکت کردند .

به این ترتیب ما این مراسم را که قرار شد از ساعت ۱۱ الی ۱۲ قبل از ظهر در سه راه ملکی برگزار شود، سازماندهی کردیم. یکی از مغازه ها را تخلیه و کلیه اجناس آن را خارج کردیم و یک سالن بزرگ که حدود ۱۳۰ صندلی گنجایش داشت، را آماده و تریبون و دیگر وسایل لازم را تهیه کردیم. از طرف دیگر به فکر مراسم دیگری بودیم که اگر در سه راه ملکی با مشکلی مواجه شدیم، بتوانیم در یکی از نقاط شهر روز کارگر را برگزار کنیم. بنا به پیشنهاد کارگران ما از دوستانی که در روز ۸۸/۱/۲۸ در شهرستان سنندج دستگیر شده بودند، دعوت نکردیم که در مراسم شرکت کنند. مگر کسانی که خود مراجعه کرده بودند. با توجه به موارد بالا و نگرانی دوستان کارگر، ما عملاً دو مراسم را سازماندهی کرده و برای هر کدام از آن، افراد خودش را تعیین کرده بودیم. برای اینکه اگر در سه راه ملکی به صفوف کارگران حمله کردند، بلافاصله شرکت کنندگان را چند ساعت بعد به یک نقطه دیگر انتقال دهیم و در آنجا اقدام به برگزاری مراسم کنیم. با بررسی و تبیین این دو گزینه و با موفقیت روز پنجشنبه را سپری کردیم. غروب روز پنجشنبه، سه راه ملکی به محلی تبدیل شد که خود ما هم انتظار نداشتیم. چرا که چند روزی بود که از محل کار قبلی مان در چهارراه آزادی به این نقطه نقل مکان کرده بودیم و مردم با این محل آشنایی نداشتند. اما با توجه به این موقعیت، مردم زیادی برای گرامی داشت این روز آمده بودند. ساعت ۶ بعد از ظهر رسماً آقای جلال حسینی را جهت دعوت از انجمن صنفی کارگران خباز به این انجمن فرستادیم و از آنها دعوت به عمل آوردیم تا در مراسم روز جهانی کارگر شرکت کنند. ( امسال انجمن صنفی کارگران خباز سقز و حومه مراسم اداره کار را تحریم کرده و درخواست مجوز کرده بودند که به آنان جواب مثبت ندادند.) ساعت ۳۰ / ۷ دقیقه بعد از ظهر فرمانده نیروی انتظامی و چند نفر از مسئولان این نیرو، به محل مراسم ما آمدند و ضمن قهرمانی از ما این روز را به ما تبریک گفتند و فرمانده نیروی انتظامی اعلام کرد که " ما آماده ایم تا مراسم روز کارگر را تحت امنیت کامل خود در آوریم و امیدواریم که هیچ مشکلی پیش نیاید "

ما هم از فرمانده نیروی انتظامی تشکر کردیم و از ایشان درخواست نمودیم که نیروهای خود را به مراسم ما نزدیک نکنند و اگر مشکلی

پیش آمد ما خودمان با نیروهایی که در اطراف مراسم مستقر هستند تماس می گیریم. چون بودن نیروی انتظامی احساسات مردم را تحریک می کنند.

مردم دسته دسته برای دیدن پلاکارت های که بر سردرب تعاونی مسکن و تعاونی مصرف نصب شده بود به آن مکان مراجعه و از ما تشکر می کردند. ما هیچ گونه حدسی نمی زدیم که به ما مجوز برگزاری مراسم بدهند آن هم به دلیل اینکه ما درخواست مجوز نکرده بودیم. باید سخنران و کسانی را برای خواندن مقاله، قطعنامه و شعر را مشخص می کردیم. چرا که کسانی را قبلاً تعیین کرده بودیم، برای مراسمی بود که بدون مجوز بود و ما نباید به این ترکیب دست می زدیم. به این دلیل که یک درصد هم به توافق پیش آمده، خوش بین نبودیم.

شب جمعه از مجری برنامه و از کسی که باید قطعنامه را بخواند، تست به عمل آوردیم و در عرض یک ساعت همه چیز آماده و برنامه روز جهانی کارگر به شرح زیر تهیه شد:

۱- مجری برنامه، نجیبه صالح زاده.

۲- سخنران، محمد عبدی پور.

۳- شعر، منصور صالحی.

۴- مقاله، اسماعیل نیازی.

۵- مقاله، شیوا حسنی.

۶- سرود یار دبستانی، آرینا صالحی.

۷- قرائت قطعنامه، آرزو هجرانی

۸- پذیرائی و پایان مراسم.

به این ترتیب فهرست برنامه ها در اختیار مجری قرار گرفت و چند جای خالی رزف کردیم تا شاید در زمان برگزاری مراسم کسانی شعر یا مقاله داشته باشند.

روز جمعه ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۸۸، برابر با اول ماه مه روز جهانی کارگر، کارگران و مردم زحمتکش دسته دسته برای دیدن پلاکارت ها و نوشته هایی که مربوط به این روز بود به محل مراسم می آمدند و به یکدیگر اول مه را تبریک می گفتند. در واقع باید گفت مراسم روز کارگر در شهر سقز از ساعت های اول صبح روز جمعه شروع شده بود و کارگران همراه با خانواده های خود و با لبهای خندان و چهره ای شاد به مکان برگزاری مراسم می آمدند و شادمانی خود را بعد از چند سال مبارزه ابراز می کردند.

مراسم روز کارگر در ساعت ۱۰ صبح با قطعه شعری از طرف نجیبه صالح زاده مجری برنامه شروع شد:

له خه و را پرن کی کریکاره

(از خواب بیدار شوید چه کسی کارگر است)

مه چنه کار نه و رویه کی نه یاره

(به سرکارنروید امروز، اول ماه مه است)

خه به ر بنیرن بو نزدیک و دوور

(خیر بفرستید برای نزدیک و دور)

کو بنه وه هه ل که ن نالایکی سوور

(جمع شوید، بفرراشته کنید یک پرچم سرخ)

مهمانان عزیز، کارگران، خوش آمدید برای گرامیداشت روز خود، یعنی روز جهانی کارگر، روز جهانی طبقه کارگر دنیا.

ما هم در این گوشه از جهان، این روز را به همه کارگران تبریک می گوئیم.

عزیزان توجه شما را به فهرست برنامه های امروز جلب می کنم:

۱- سخنران مراسم آقای محمد عبدی پور.

۲- یک قطعه شعر بنام اتحاد از طرف آقای منصور صالحی.

۳- یک مقاله از طرف آقای اسماعیل نیازی.

۴- پیام تبریک از طرف آقای کاوه.

۵- یک مقاله از طرف خانم شیوا حسنی.

۶- سرود یار دبستانی از طرف خانم آرینا صالحی.

۷- قرائت قطعنامه سراسری توسط خانم آرزو هجرانی.

۸- پذیرایی با پخش شیرینی و شادی.

برای یاد و خاطره جانباختگان راه جنبش کارگری یک دقیقه سکوت، لطفاً قیام کنید.

شرکت کنندگان همگی به پاس احترام به یاد و خاطره جانباختگان راه برابری قیام کردند.

با این قطعه شعر سکوت از طرف مجری برنامه شکسته شد :

مال به مال ده گه رم چی مالی هه ژار

(خانه به خانه می گردم، تمام خانه محرومان)

پیروز بی یه کیه تی و چیژنه که ی نه یار

( پیروز باد اتحاد و عید اول ماه مه )

اکنون از آقای محمد عبدی پور می خواهم جهت ارائه سخنان خود به پشت تریبون بیاید.

آقای عبدی پور سخنانش را با دو قطعه شعر شروع کرد:

ئه م رو له یه کی نه یارا

(امروز در اول ماه مه)

له روزی چینی کریکارا

(در روز طبقه کارگر)

ده نگ و ره نگم

(صدا و تصویرم را)

تیکلاوی سنفونیای جیهان داه که م

(ادغام در اعتراضات جهان می کنم)

بژی یه کیه تی جیهانی چینی کریکار

(زنده باد اتحاد جهانی طبقه کارگر)

کارگران، شرکت کنندگان عزیز، با درودهای گرم و صمیمانه، خیلی خوش آمدید برای مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر.

عزیزان من امروز به خود افتخار می کنم که در این مراسم و در خدمت شما عزیزان هستم.

عزیزان من می خواهم امروز بر سر چند موضوع حرف هایم را مختصر به حضور شما تقدیم کنم.

دوستان؛

کارگران امریکا ۱۲۳ سال پیش در صبحگاهی مثل امروز در اعتراض به ساعت کار اضافه و اضافه کاری اجباری محل کار خود را

ترک کردند و به خیابان های شهر شیکاگو آمدند. با کمال تأسف دولت سرمایه داری وقت امریکا کارگران را مورد حمله قرار داد و چند

نفر از کارگران در این حمله ددمنشانه کشته، زخمی و عده ای هم دستگیر شدند و بعد از یک دادگاهی فرمایشی چند نفر از رهبران این

اعتراض را به اعدام محکوم کردند. بعد از سرکوب کارگران و اعدام چند نفر از رهبران آنها، سه سال بعد از این واقعه در انترناسیونال

دوم به یاد و خاطره کارگران شیکاگو، اولین روز ماه مه را بنام روز جهانی کارگر نام گذاری کردند .

کارگران جهان در این روز تاریخی با درهم شکستن تمام مرزهای سرمایه داری و بدون توجه به رنگ، نژاد، زبان و ملیت به خیابانها می آیند و علنا" در برابر نظام سرمایه داری اعلام جنگ می کنند .

ما کارگران ایران هم صدا با کارگران جهان به این اعتراض جهانی می پیوندیم و خودمان را در صفوف کارگران جهان می بینیم .  
کارگران؛

امروز ما درشرایطی قرار داریم که نظام سرمایه داری دچار یک بحران سراسری و عظیم شده است. این بحران کل سیستم سرمایه داری را مورد حمله قرار داده و می رود تا این نظام سراپا گندیده را به زباله دان تاریخ بسپارد. اما وظیفه ما کارگران چیست؟ ما کارگران باید در این زمان به تشکیل تشکلهای خود اقدام کنیم و اتحاد و یکپارچگی خود را برای مقابله با این بحران سرمایه داری مستحکم تر از قبل کنیم. برای دستیابی به خواست و مطالبات مان باید تشکلهای خود را بسازیم. ایجاد تشکلهای خود ساخته می تواند ما کارگران را به اهداف مان نزدیک کند. برای تشکیل دادن این تشکلهای باید قبل از هر چیز به نیروی خود اعتقاد داشته باشیم و روی نیروی خود سرمایه گذاری کنیم، نیروی ما تمام شدنی نیست. بدون ساختن تشکلهای خود، ما نمی توانیم در برابر نظامی ایستادگی کنیم که صد ها سال است، پایه هایش بر دوش ما کارگران و با استثمار ما کارگران نگه داشته شده و اکنون هم ادامه دارد.

ما کارگران می توانیم با ایجاد تشکلهای خود و اتحاد این تشکلهای، ریشه این استثمار را بخوشکانیم و دنیای بدون طبقه بسازیم، دنیایی عاری از هرگونه استثمار. ما خواستار دنیایی هستیم که در آن خبری از نابرابری نباشد. ما کارگران می توانیم به این دنیا برسیم، اگر اراده کنیم .

دوستان عزیز من در اینجا سخنانم را به پایان می برم، زنده و سرفراز باشید.

مجری :

کریکارم، کریکارم په رورده ی ره نج و نازارم

(کارگرم، کارگرم بزرگ شده رنج و دردم)

شه پولی نه وه لی نه یار

(امواج اول ماه مه)

نیمه بین دریای خروشی کار

(ما هستیم دیای خروش کار)

اکنون از آقای منصور صالحی می خواهم جهت قرائت شعر، بفرما.

قبل از هر چیز اول ماه مه، یعنی ۱۱ اردیبهشت را به همه شرکت کنندگان عزیز و همه محرومان و کارگران کردستان، ایران و همه جهان تبریک عرض می کنم. یک دسته گل نثار دستهای خسته تان باد.

این شعر را بنام متحد شویم تقدیم می کنم.

متحد شویم

من چشم به جهان گشوده ام

تو دیده به هستی

او هم به زیست

کل و همه به زیستن

سئوالیست و پاسخی

من و تو، کل و همه برای او شده ایم

او و آنها می گویند در زندگی

عنایت کن ، قانع باش

صرفه جوی کن ، اسراف نکن

کار کن ، کار ، کار ، کار.....

ماحصل این همه جوهره کار چیست !!؟

جز فقر و گرسنگی و استثمار

اخراج و بیکاری!

بازداشت و زندانی و گلوله.....



صندوق گنج این سؤال بی پاسخ!

برای لاک و مهر شکستن این صندوق

باید فاصله ها را از میان برد

مهم برای من و تو، ما و همه

برای بنیان دنیای بی طبقه

دعوت فرائی به تشکل و اتحاد ماست

متحد شویم ، متحد.....

با تشکر از حضار محترم.

مجری :

سنور نام گری له سه رئه م ئه رزه

(مرزها جلو من را نمی گیرند روی این زمین)

سه رمایه داری دینمه لرزه

(سرمایه داری را به لرزه درخواهم آورد)

اکنون از آقای اسماعیل نیازی می خواهم جهت قرائت مقاله، بفرما.

با سلام مخصوص به شما کارگران عزیز.

کارو\* می گوید: آری، آری

زندگی زیباست، زندگی آتشگهی دیرینه پابرجاست.

گر بیفروزش رقص شعله اش از هر کران پیداست.

ورنه خاموش است و خاموشی گناه ماست.

کارگران زحمتکش انسانهای ستمدیده؛

اول ماه مه روز جهانی کارگر یاد آور مبارزات صدها ساله ای است که کارگران در سراسر جهان به شیوه های گوناگون آن را به اثبات رسانده اند. هرچند هجوم سرمایه داری به معیشت مرگبار و سفره بی رونق کارگران هر روزه ابعاد وسیع تر و گسترده تری به خود می گیرد؛ از یک طرف ثروت عظیم سرمایه داران و ساختمانهای آسمان خراش که با خون کارگران انباشته و ساخته شده اند را می بینیم و از طرفی آلودگی های بی سرپناهان و گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی استعمارشوندگان جامعه را. و نیز هم اکنون در این برهه زمانی که بحران عمیق اقتصادی بیشتر از همه اقشار جامعه بر دوش کارگران و زحمتکشان و تهیدستان سنگینی و زندگی میلیونها کارگر در سراسر جهان را به مخاطره انداخته معضلی دیگر بر زندگی این قشر زحمتکش است. شکاف طبقاتی طبقه کارگر و سرمایه داری را به اوج خود رسانده و مبارزات کارگران را در سطح مرگ و زندگی با سرمایه داری به امر اجتناب ناپذیر مبدل گشته، روزی نیست که شاهد اعتراضات، اعتصابات، تحصن و راه پیمایی هزاران کارگر که خواهان یک زندگی شایسته انسانی هستند، به مخاطره و اخراج، بیکار سازی ها نباشیم. اما علی رغم اینکه خواست و مطالبات کارگران در همه سطوح و همه جا تقریباً یکسان است. اما هنوز مبارزات برای کسب حق و حقوق مان در زیر یک پرچم واحد گرد نیامده و یکی از علت های به نتیجه نرسیدن مبارزات مان پراکنده بودن صفوف ما کارگران، عدم تشکلهای و شوراهای مستقل و منسجم کارگری است. تا که مطالبات و خواسته های خود را در یک مجمع واحد به کرسی بنشانیم و آن هم تامین رفاه، آسایش و زندگی خود و خانواده مان در مقابل زحمات طاقت فرسا و رنج های است که بر دوش می کشیم .

بله خواست کارگر، این قشر زحمتکش جامعه از سرمایه داری طلبی نیست. مگر از بابت کار اضافی و ارزش اضافی کار که هر روز بر سود سرمایه داران اندوخته و در مقابل برای کارگران نه زندگی، بلکه مرگ تدریجی را به ارمغان می آورد. کارگر در لحظه به لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضد نظام سرمایه داری را بیان می کند که چرا ما با دستانی پینه بسته شب و روز کار کنیم، اما بهره و نفع کارمان را دیگران بخورند؟ چرا باید تمام نعمات و ثروت جامعه را تولید کنیم، اما خود و خانواده هایمان باید کاملاً از آن بی بهره باشیم؟ بله در یک کلام این است خواست طبقه کارگر و انسانهای زحمتکش و ستمدیده در سراسر جهان.

بار دیگر روز جهانی کارگر را به تمامی کارگران در سراسر جهان از هر نژاد، جنس و رنگ که باشند، صمیمانه تبریک می گویم و به امید آن روز که ما کارگران هم چون انسان در هر سرزمینی که باشد از رنج و زحمات و مشقاتی که بر دوش می کشیم بی بهره نباشیم و یک زندگی شایسته انسانی داشته باشیم.

به امید رهایی مان از قید و بند و استثمار و بردگی.

گرامی باد روز اول ماه مه روز جهانی کارگر

برفرشته باد پرچم اتحاد و هبستگی کارگران در سراسر جهان.

**مجری:**

اول مه آمد، اول مه آمد، اول مه آمد ما هم راه رو این ماه خواهیم شد.

از آقای کاوه می خواهم جهت قرائت پیام خود، بفرما.

دوستان، ما امروز را در شرایطی برگزار می کنیم که رفقای ما در شرایط سختی به سر می برند. همین شرایط سخت باعث شده که ما را به اینجا بکشاند و ما را در این جا متشکل کند. زنده باد اول ماه مه ( به دلیل اینکه اصل نوشته در دست نبود به این چند خط اکتفا کردیم، هر چند تقاضا کردم اما نوشته را در اختیارم قرار ندادند)

چه ت نا فوتین چونکه نیمه وه ک هه ریز تو بلاوین.

(هیچ وقت از بین نخواهم رفت برای اینکه ما مثل هر ریز بزره ایمان پراننده است)

ره گمان له ناو خوینی نه م خاکه دا ، داکوتاوه.

(ریشه مان در خون این سرزمین مستحکم کرده ایم)

از خانم شیوا حسنی می خواهیم جهت قرائت مقاله، بفرما.

کارگر رفع جفا را گر بخواهی می توانی.

قطع بیخ اغمیا را گر بخواهی می توانی.

تو به پا کردی جهان را خالق هستی تویی.

بیش و کم کردن در بازار را گر بخواهی می توانی.

دوستان ضمن خوش آمد گویی، این روز تاریخی را به شما و همه کارگران جهان تبریک می گویم.

بنگرید به دستانشان، چهره هایشان، لباسهایشان و خانه هایشان.

بنگرید به دستان ضمخت و ترک برداشته که از اول صبح با سیمان و کلنگ نوازش پیدا می کنند و دستانی که با طلوع آفتاب طلیعه بدبختی هایشان می درخشد و مجبور با هر طلوع گونی گونی آرد را در داخل نانوائی ها خمیر کنند و بپزند .

بنگرید به چهره هایشان، چهره های جوان پیرنما که زیر فشار زندگی پژمرده و زیر تیغ آفتاب و گرمای کوره پزی ها سیا شده. چهره ای که با آتش تنور های نان و کوره های ذوب آهن سوخته و سوختگی های که اثر آن اسپر کارخانه هاست.

خوب بنگرید به لباسهایشان، لباسهای که با سیگار سوخته و زیر تیغ آفتاب فرسوده شده،

اما هر سال تاریخ مصرف خود را تمدید می کنند .

بنگرید به خانه های که درب آن زنگ زده و زنگ درب آن سالهاست که از آن خبری نیست .

بنگرید به سقف هایشان که با آب باران خیس و نمناک شده و خانه های که سقف، دیوار و پنجره آن فقط یک چادر است .

بنگرید نه با چشم دیده با چشم عقل بنگرید .

آری جهان بر تناقض و حشیانه ای بنا شده، بین آنهایی که کاخهای غرق در نور دارند و آنهایی که شعله هیزمی را آرزو می کنند .

بنگرید و چرا بگوید به این فاصله و نابرابری میان انسانهای برابر .

من زاده شدم دوباره با تو، آزاده شدم دوباره با تو.

به درود.

و اکنون از خانم آرینا صالحی دعوت می شود جهت خواندن یار دبستانی، بفرما.

یار دبستانی من / با من و همراه منی / چوب الف بر سر من / بغض منو آه منی / حک شده اسم منو تو / روتن این تخته سیا / ترکه ی بیداد و ستم / مونده هنوز رو تن ما / دشت بی فرهنگی ما / هرزه تمومه علفهاس / خوب آگه خوب / بد آگه بد / مرده دلهای آدمهاس / دست من و تو باید این پرده ها را پاره کند / کی میتونه جز من و تو / درد ما را چاره کنه / یار دبستانی من.

مجری :

اکنون از خانم آرزو هجرانی می خواهم جهت قرائت قطعنامه، بفرما.

با درود بر کلیه عزیزان؛

قطعنامه کارگران ایران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

اول ماه مه روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر و روز جوش و خروش کارگران در سراسر جهان برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری و بیان خواسته های آنان جهت برپایی دنیایی عاری از ستم و استثمار است.

امسال ما کارگران مراسم اول ماه مه را در شرایطی برگزار می کنیم که نظام سرمایه داری در گرداب یک بحران عظیم اقتصادی ویران کننده تری فرو رفته است و در حال دست و پا زدن برای نجات خویش از آن به سر می برد.

بحران عظیم اقتصادی موجود و عجز دولتهای سرمایه داری در مهار آن و سر ریز کردن بار این بحران بر دوش کارگران جهان ، بیش از پیش گنبدگی این نظام را پس از فروپاشی بلوک شرق و ادعای پایان تاریخ به نمایش گذاشت و ضرورت برپایی دنیایی فارغ از مناسبات ضد انسانی نظام سرمایه داری را به مثابه یگانه راه خلاصی بشریت از مصائب موجود در برابر کارگران و بشریت متمدن قرار داد .

این بحران و تبعات ویرانگر آن بر زندگی و معیشت کارگران در سراسر جهان تا آنجا که به ایران مربوط می شود و بر خلاف بهانه تراشی های کارفرمایان و تبلیغات قلم به دستان سرمایه، هنوز سایه شوم خود را بر زندگی و معیشت روزمره کارگران در ایران نگسترانیده است و از نظر ما بیشترین مصائب و مشقاتی که امروزه ما کارگران با آنها دست به گریبانیم، بیش از هر چیز حاصل سيطرة اقتصادی ، اجتماعی و عملکرد سرمایه داری حاکم بر ایران است .

دستمزد به شدت زیر خط فقر، اخراج و بیکارسازی گسترده کارگران، عدم پرداخت به موقع دستمزد میلیون ها کارگر، تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضاء و حاکم کردن شرکت های پیمانکاری بر سرنوشت کارگران و بازداشت و زندانی کردن آنان تا سرکوب تشکلهای و اعتراضات کارگری و اجرای احکام قرون وسطایی شلاق علیه کارگران و رایج کردن فرم قراردادهای برده وار جدید ، مصائب و بی حقوقی هایی نیستند که با وقوع بحران در اقتصاد جهانی وارد ایران شده باشند . این وضعیت سالهاست که ادامه دارد و هر ساله بر عمق و دامنه آن افزوده می شود.

ما کارگران در مقابل این وضعیت بغایت ضد انسانی و گسترش عمق و دامنه آن سکوت نخواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد بیش از این حق حیات و هستی ما را به تباهی بکشانند. ما تولید کنندگان اصلی ثروت و نعمت در جامعه هستیم و حق مسلم خود می دانیم تا با بالاترین استانداردهای حیات بشر امروز در آسایش و رفاه زندگی کنیم.

داشتن یک زندگی انسانی حق مسلم ماست و ما برای تحقق آن تمامی موانع پیش روی خود را با برپایی تشکلهای مستقل از دولت و کارفرما و با اتکا به قدرت همبستگی مان از سر راه خویش بر خواهیم داشت .

در این راستا ما کارگران امروز یک پارچه و متحد ، مطالبات زیر را به عنوان حداقل خواسته های خود فریاد می زنیم و خواهان تحقق فوری این مطالبات هستیم.

۱- تامین امنیت شغلی برای همه کارگران و لغو قراردادهای موقت و سفید امضاء و بر چیده شدن فرم های جدید قرارداد کار .

۲- ما حداقل دستمزد تصویب شده از سوی شورای عالی کار را تحمیل مرگ تدریجی بر میلیون ها خانواده کارگری می دانیم و مصرانه خواهان افزایش فوری حداقل دستمزدها بر اساس اعلام نظر خود کارگران از طریق نمایندگان واقعی و تشکلهای مستقل کارگری هستیم .

- ۳- برپایی تشکلهای مستقل کارگری ، اعتصاب ، اعتراض ، تجمع و آزادی بیان حق مسلم ماست و این خواسته ها باید بدون قید و شرط به عنوان حقوق خدشه ناپذیر اجتماعی کارگران به رسمیت شناخته شوند.
- ۴- دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً" و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه یک جرم قابل تعقیب قضائی تلقی گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت گردد.
- ۵- اخراج و بیکارسازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده اند و یا به سن اشتغال رسیده و آماده به کار هستند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی برخوردار شوند.
- ۶- ما خواهان برابری حقوق زنان و مردان در تمامی شئون زندگی اجتماعی و اقتصادی و محو کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه آنان هستیم.
- ۷- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی هستیم و هر گونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان را قویاً" محکوم می کنیم.
- ۸- ما ضمن اعلام حمایت قاطعانه از مطالبات معلمان به عنوان کارگران فکری ، پرستاران و سایر اقشار زحمتکش جامعه ، خود را متحد آنها می دانیم و خواهان تحقق فوری مطالبات آنان و لغو حکم اعدام هستیم .
- ۹- از آنجا که کارگران فصلی و ساختمان به طور کامل از هر گونه قوانین تامین اجتماعی محروم هستند ، ما از اعتراضات این بخش از طبقه کارگر برای رسیدن به حقوق انسانی آنها دفاع می کنیم.
- ۱۰- سیستم سرمایه داری عامل کار کودکان است و تمامی کودکان باید جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین ، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی از امکانات آموزشی ، رفاهی و بهداشت یکسانی برخوردار شوند.
- ۱۱- ما خواهان آزادی کلیه کارگران زندانی از جمله منصور اسالو و ابراهیم مددی و لغو کلیه احکام صادره و توقف پیگردهای قضایی و امنیتی علیه فعالین کارگری هستیم.
- ۱۲- ما بدینوسیله پشتیبانی خود را از تمامی جنبش های آزادی خواهانه و برابری طلب همچون جنبش دانشجویی و جنبش زنان اعلام می داریم و دستگیری ، محاکمه و به زندان افکندن فعالین این جنبش ها را قویاً" محکوم می کنیم.
- ۱۳- ما بخشی از طبقه کارگر جهانی هستیم و اخراج و تحمیل بی حقوقی مضاعف بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیت ها را به هر بهانه ای محکوم می کنیم.
- ۱۴- ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت های بین المللی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در سراسر جهان خود را متحد آنان می دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی طبقه کارگر برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید می کنیم.
- ۱۵- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد.

## زنده باد اول ماه مه

## زنده باد همبستگی بین المللی طبقه کارگر

۲۰۰۹م

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۸

کمیته برگزاری مراسم روز جهانی کارگر

- ۱- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه.
- ۲- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه.
- ۳- اتحاد آزاد کارگران ایران.
- ۴- هیئت باز گشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمان.
- ۵- کانون مدافعان حقوق کارگر.
- ۶- شورای همکاری تشکلهای و فعالین کارگری.
- ۷- کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری.
- ۸- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری.
- ۹- شورای زنان.
- ۱۰- جمعی از فعالین کارگری.

مجری:

بورژواکان ، بوئوازی کلیساتان

( سرمایه داران برای آواز کلیسا )

که وای تانو پو زیرین له به رده که ن

(لباس تاروپود از طلا بر تن می کنید)

کی نه و که وای چنی بوتان

(چه کسی این لباس را برایتان دوخته)

منی برسی رووتی بی نان

( من گرسنه، بی لباس و بی نان )

عزیزان این مراسم در اینجا به پایان می رسد، یک بار دیگر این روز را به همه کارگران جهان تبریک می گویم و از دست اندکاران این مراسم نهایت تشکر را داریم.

در خاتمه از مسئولین پذیرایی می خواهیم که آرام و با حوصله این کار را انجام دهند .

با تشکر.

به این ترتیب روز جهانی کارگر در میان شادی و خوشحالی کارگران و خانواده هایشان به اتمام رسید و در مدت این چند ساعت نیروهای انتظامی و لباس شخصی بدون مزاحمت برای کسی محل مراسم را تحت نظر داشتند و با یک عدد دوربین از شرکت کنندگان فیلم برداری می کردند.

محمود صالحی

خرداد ۱۳۸۸ - سقز

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

<http://www.komitteyehamahangi.com>

[komite.hamahangi@gmail.com](mailto:komite.hamahangi@gmail.com)

\* این قسمتی از شعر " آرش " سروده سیاوش کسرای می باشد که اشتباهاً به نام "کارو" نامیده شده است. ( افق روشن)